

نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، بهار ۱۳۹۶

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸، شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۴

<http://jupm.miau.ac.ir/>

صص ۹۹-۱۱۰

## رنگ در شهر با رویکرد ایجاد تنوع و سرزندگی در فضای شهری

علیرضا زارع: دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران\*

کوروش لطفی: استادیار گروه شهرسازی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

### چکیده

یکی از خصایص بارز شهرسازی معاصر کشور ما، افول ارزش‌های کیفی زیبایی شناختی منظر است که در نزد ساکنان امروز شهرهای بزرگ، به صورت احساس ناشناختگی، ناامنی و ناکامی ظهور پیدا کرده است. عدم ارتباط موثر با شهر توسط شهروندان و در نتیجه بی توجهی و مشارکت اندک آنان، نوعی بی هویتی را گریبانگیر شهرها نموده است. منظر شهری واقعیتی است عینی که در مشاهده هر فرد از محیط بصری شهر به دست می‌آید و در فرآیند تعامل میان حضور انسان در شهر و بر حسب دانش، فرهنگ و تجربه در ذهن ارزش گذاری شده و به ادراک از منظر می‌انجامد. با عبور از داخل شهر مناظر شهری در دسته‌ای از آشکارسازی‌ها به چشم می‌آیند، این تغییر تدریجی مناظر را دید پی در پی گویند. حال با توجه به مقیاس حرکت - پیاده و یا سواره- و سرعت حرکت و نحوه قرارگیری نسبت به فضا، در هر مقطع از زمان، تأثیر متفاوتی از منظر توسط ناظر درک می‌شود که این بازه‌های زمانی دید در اصطلاح به سکانس تعبیر می‌شوند. در هر سکانس مناظر شهری با جزئیات خود به چشم می‌آیند که همان مولفه‌های شکل دهنده منظر هستند. در این رهگذر سه دروازه با عناوین حرکت، موقعیت و مضمون وجود دارد. در باب مضمون و یا همان محتوا، اجزاء محتوایی ساختار شهر مانند رنگ، بافت، سبک، ویژگی، سرشناسی و منحصر به فرد بودن مطرح است. و در این میان، بررسی عامل رنگ و تأثیر آن بر نحوه ادراک فرد از هر سکانس مطرح است. بنابراین، با تجربه در فضا و هارمونی‌های رنگی متفاوت، اثبات می‌شود که رنگ‌ها در یک ترکیب مناسب چگونه می‌توانند به دریافت مستقل و خوشایندی از هر سکانس منجر شود. روش تحقیق در این پژوهش بر مبنای تحلیل ادبیات معماری و شهرسازی و روش تحلیلی اکتشافی در ارتباط با ماهیت رنگ در منظر شهری است که این نوشتار در خلال مطالب و با بررسی نمونه‌های موردی در انتهای کار به آن دست خواهد یافت.

واژه‌های کلیدی: منظر شهری، رنگ، تنوع، سرزندگی، توالی بصری.

## ۱- مقدمه

## ۱-۱- طرح مسأله

در شهرهای گذشته، رنگ‌های طبیعی مصالح محلی بناها و ترکیب آن با طبیعت موجود به شهر چهره‌ای هماهنگ و همگون می‌بخشید به طوری که با روحیه، اقلیم و فرهنگ آن مردم نیز تطبیق می‌کرد؛ و علی‌رغم تفاوت در مقیاس و عملکردها، نوعی وحدت کلی در سراسر شهر به وجود می‌آمد. هر شهر هویت رنگی خاص خود را داشت. بنابراین، نقش رنگ در شهر هم به لحاظ نمادین و اعتقادات مذهبی و سنتی ساکنان، و هم ایجاد آرامش روانی و هم به لحاظ عملکردی و هماهنگی با زمینه و شخصیت بنا و محیط اطراف، مطلوبیت فضایی را ایجاد می‌کرد. تجربه حرکت در چنین فضاهاى شهری به دلیل وحدت آن، مسرت بخش و به دلیل تنوع رنگی بجا و حساب شده، سرزنده و متنوع بود. ولی متأسفانه در شهرهای امروز علی‌رغم پیشرفت‌های تئوری و وجود متخصصین و آموزش‌های آکادمیک در زمینه شهرسازی و هنرهای تجسمی و در زمینه رنگ، این مهم کمتر مورد توجه اصولی قرار گرفته است. بنابراین معماری شهری و معماری منظر، که به نوعی به طبیعت و معماری هر دو نظر می‌افکنند؛ در این میان از مهم‌ترین مباحثی است که در صورت طی فرایند منطقی و با رجوع به مفاهیم مورد بررسی، می‌تواند به بهترین نحو درصدد پاسخگویی و رفع این مشکل در شهرها گام بردارند. در ادبیات موجود منظر (Landscape) تجلی مجموعه عناصری است که در طبیعت موجودند و کمتر تغییر پذیرند، در حالی که منظر شهری (Townscape) تک عنصرها و یا

مجموعه عناصری هستند که در طی سالیان متمامی ساخته شده‌اند و به جز مواردی مانا تر دوباره هم ساخته می‌شوند (طیبیان، ۱۳۷۷: ۳۸) بنابراین منظر شهر مفهومی است که مردم روزانه با آن در ارتباط‌اند و حتی در شکل‌گیری این تغییرات و ساخت و سازهای مجدد دخیل هستند. بنابراین در این نوشتار که درک منظر را از نقطه نظر درک رنگ و دید صحنه‌ای از دید ناظر مورد بررسی قرار داده است؛ چنین فرضیه‌ای مطرح می‌شود:

با حرکت در شهر و برداشت‌هایی که ناظر محیطی از مناظر شهری به مثابه یک دوربین عکاسی دارد (یعنی با توجه به زاویه دیدی که از مناظر و احجام در هر سکانس در مقابل خود دارد)، یکی از مهمترین عواملی که به لحاظ ادراکی و بصری و با توجه به کیفیت‌های تنوع، خوانایی و انسجام محیطی با آن مواجه می‌شود؛ متغیری به نام رنگ است. در همین راستا و با توجه به روند تحقیق، مقاله حاضر در پی آن است که به پرسش‌های اساسی شکل گرفته پیرامون فرضیه مقاله پاسخ گوید:

۱- آیا عامل رنگ به عنوان یکی از اجزای مولفه‌های بصری منظر شهری مطرح است؟

۲- رنگ‌ها از چه جنبه‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرند و در شهر در چه مقیاس و وسعتی مطرح بوده و بررسی عامل رنگ در مناظر شهر شامل چه اجزایی از شهر می‌شود؟

۳- پالت رنگی شهر در ایجاد تنوع و یا یکنواختی منظر شهر چه نقشی را ایفا خواهد کرد؟ ساختار این نوشتار در چهار بخش تنظیم شده است، سعی بر این است که در بخش اول به تعریفی از مولفه‌های منظر شهری شامل: عملکرد، الگوی کالبدی

توان اجزای آن را به یکی از چهار عنصر اصلی فضا یعنی نقطه، خط، صفحه یا حجم تعبیر کنیم. این کیفیت‌ها مربوط به ابعاد در هندسه اقلیدسی است که می‌تواند شکل ساده‌ای از پدیده‌های عینی جهان باشد و هندسه‌ای بسیار پیچیده‌تری به نام هندسه فرکتال را عرضه کند. براساس توضیحات فوق می‌توان اجزای پایه منظر را به صورت ذیل تعریف نمود:

- عناصر اصلی یا پایه

عناصر اصلی یا پایه جنبه‌های عینی منظر مربوط به اجزای فیزیکی و کالبد منظر می‌باشد که به وسیله حواس انسان قابل ادراک است. در این میان حس بینایی مهمترین آنها قلمداد می‌شود. این عناصر شامل اجزای محیط طبیعی و مصنوع یا انسان ساخت هر منظر شهری می‌باشد. برای درک محیط اطراف خود باید بتوانیم هر بخش را به طور جداگانه و متمایز بشناسیم و سپس به ارتباط آن با کل ساختار منظر پی ببریم. این بخش‌ها یا اجزا منظر شامل موارد ذیل هستند:

- نقطه: در گذشته نقطه تعریفی مشخص بود برای بیان هدفی خاص همچون تعیین حد و مرز اراضی و تاکید بر مالکیت منطقه‌ای، به عنوان نشانه شهری، تمرکز کردن بر طرحی عظیم و یا صرفاً جذاب کردن بخشی از منظر یکنواخت، و یا تک برج کلیسا، برج‌های یادمانی یا بنای یادبود شخص یا رویدادها. (بل، ۱۳۸۵: ۲۸)

- خط: در محیط بشر ساخت، خطوط می‌توانند به عنوان کنترل کننده‌ها یا شاخص کننده پدیده‌های معماری یا مناظر شهری حائز اهمیت باشند. مانند خط ساخت بنا که نماها در امتداد آن قرار می‌گیرند یا

و اجزاء مستقر عینی- محتوایی و اشاره‌ای بر اجزای محتوایی شهر پرداخته شود. در بخش دوم، مبانی نظری رنگ و نقش رنگ از دیدگاه مهندسان منظر و طراحان شهری ذکر می‌گردد. و در بخش سوم مولفه‌های کیفی طراحی شهرها که از مفاهیم بخش اول استخراج می‌شوند معرفی می‌شوند و در بخش چهارم و نهای این مولفه‌ها در سکانس‌هایی از منظر شهری بررسی شده و راهکارهایی در این زمینه ارائه می‌شود. روش کار از طریق مشاهدات میدانی (و عکس برداری) توسط پدید آورنده مقاله و همچنین بررسی نمونه‌های کار شده موجود، صورت گرفته است

۲- مبانی نظری

- در پی درک و تعریف مفاهیم مربوط به مولفه‌های منظر هر دیدگاه یا پیشینه فرهنگی یا ارزشی که به منظری خاص نسبت می‌دهیم، در اساسی ترین و ساخت و ساخت‌مند سطح خود، به صورت الگو در نظر گرفته می‌شود. بعضی از الگوها حاصل فرایندهای خاص اکولوژیکی و برخی دیگر، حاصل فعالیت بشر و ارتباط متقابل آن با روندهای طبیعی است. هیچ یک از این الگوها ایستا نیستند و همه آنها تابع تغییر و تحول در طول زمان به دلیل فرایندهای طبیعی و مصنوع‌اند. آمیزه‌ای از سه جزء عنصر، تغییر آن و سازماندهی که الگوهای آینده منظر را توصیف می‌کنند یا طرح‌های بصری یا الگوهای جدید را به وجود می‌آورد. (بل، ۱۳۸۵: ۲۲)

هر شی یا موضوعی که این اجزا را شکل می‌دهد- عنصر اصلی و پایه- تلقی می‌شود. بسته به زاویه دیدمان نسبت به مناظر، به طور مثال فاصله تا آن، می

خطوط بام که همگی نمونه‌های از این دست هستند. (بل، ۱۳۸۵: ۳۳)

صفحه: صفحه بیشتر به عنوان ابزاری برای موارد دیگر، از جمله کاربرد بافت یا رنگ یا به عنوان عنصری برای محصور کردن فضا فرض می‌شود و یا به عنوان صفحه کف برای دیگر ساختارها عمل می‌کند. ولی در عین حال می‌تواند به خودی خود معنادار باشد. مثلاً مشخص بعضی ساختمان‌ها استفاده از سطوح افقی برای دستیابی به صفحه زمین و صفحه بام به موازات آن است. (بل، ۱۳۸۵: ۳۶)

حجم: دید از بیرون ساختمان‌های منفرد یا مجموعه ساختمان‌هایی که محصوریت فضایی ایجاد نمی‌کنند، آنها را همچون حجم‌هایی صلب می‌نمایاند و شاید ساختمان‌های شفاف‌تری که از فلت و شیشه ساخته شده‌اند مثل گلخانه‌ها در تعریف احجام توخالی جای گیرند. (بل، ۱۳۸۵: ۳۸)

- عناصر عینی - محتوایی منظر (متغیرها)

عناصر پایه را می‌توان با مفاهیمی چون نور، رنگ، زمان و حرکت مرتبط دانست. این مفاهیم گفته شده به همراه دیگر مفاهیمی از این دست شامل شمار، موقعیت، راستا، اندازه، شکل، فاصله، بافت و ... و تحت عنوان متغیرها دسته بندی می‌شوند که تاثیر آنها در درک مناظر بر طبق دسته بندی که توسط سیمون بل از عناصر بصری معماری منظر در کتاب *Elements of visual design in the landscape, 2004* انجام داده است، به تفصیل توضیح داده شده است.

در باب محتوا همچنین می‌توان به اجزایی از ساختار شهر چون سبک، ویژگی، منحصر به فرد بودن اشاره نمود. پذیرش این حقیقت که بیشتر شهرها بر پایه

بنیان‌های گذشته سازمان یافته‌اند، ساختار آنها زمان‌های مختلفی را که از لحاظ سبک معماری با هم متفاوت بوده و گویای وقایع مختلف ادواری تاریخ است، نشان خواهند داد. (کالن، ۱۳۷۷: ۱)

- الگوها در منظر شهری (سازماندهی عناصر پایه با توجه به متغیرهای انتخاب شده)

الگوها و ساختار، ترکیب بندی یا منظر از سازماندهی عناصر پایه ای متنوع و بی شمار شکل می‌گیرند. این اصول سازماندهی شامل سه دسته الگوهای فضایی، عناصر ساختاری و نظم دهی می‌باشند. نخستین گروه بندی اصولی سازماندهی عناصر، یعنی الگوهای فضایی، کلاً به موقعیت نسبی و روابط متقابل میان عناصر در فضا مربوط است. رخداد مجموعه اصول در قالب نزدیکی، محصوریت، در هم چفت شدگی، تداوم و فیگور و زمینه آنها را به جنبش تأثیر گذار روان شناسی ادراک فضا، «روانشناسی گشتالت»، مربوط می‌سازد. در دو گروه بعدی یعنی عناصر ساختاری و نظم دهی به مفاهیمی نظیر تعادل، ریتم، تناسب و مقیاس و اصول نظم دهی شامل محور، تقارن و ... در طراحی، منظر و ترکیب بندی می‌پردازند. که در نهایت و در یک جمع بندی از اصول سازماندهی عناصر منظر، می‌توان در راستای یک طراحی شهری متنوع و در عین حال وحدت یافته استفاده کرد.

این تقسیم بندی چنانچه پیش از این اشاره گردید از مباحث عنوان شده و تقسیم بندی سیمون بل از عناصر معماری منظر، صورت گرفته است. وی غایت هدف بصری در هر طراحی را، ایجاد تعادل میان عناصر وحدت و تنوع، با توجه به روح مکان می‌داند. در همین زمینه استفان و راشل کاپلان در مطالعات

مبوط به بسترهای محیطی (به بیانی کامل تر: ارجحیت‌های محیطی مردم) به این نتیجه رسیدند که پیچیدگی و تنوع، رمز و راز، خوانایی و انسجام از مشخصه‌های کلیدی هر منظر جذاب است. این مفاهیم عنوان شده یعنی تنوع، خوانایی، انسجام، همان مولفه‌های کیفی طراحی شهری است که مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

- در پی بیان مبانی نظری رنگ و نقش رنگ در منظر شهری

رنگ به عنوان یکی از مهمترین عناصر بصری می تواند نمودی فعال و تاثیرگذار در منظر عمومی یک شهر داشته باشد. و یکی از عناصری است که می تواند سامان بخشی فضای شهری را به عهده گیرد و کیفیت و کارایی زندگی شهری را ارتقاء بخشد. با حرکت در شهر، هر منظر به طیف خاص رنگ‌ها مربوط است و هویت محلی خود را از آنها می‌یابد. بنابراین به منظور حفظ کیفیت تشخیص و با توجه به نقش روانی، فیزیولوژیکی، اجتماعی و نمادین رنگ‌ها در شهر می توان به نتایج مطلوبی دست یافت.

- مفاهیم پایه رنگ- تئوری رنگ

صفات رنگ- رنگ‌ها را می توان توسط سه بعد رنگی مشخص نمود. شامل رنگمایه یا لون (Hue) به معنای خصوصیت تمایز رنگ‌ها از یکدیگر، و لیبو (value) به معنای حالت روشنایی یا تاریکی نسبی رنگ که دارای ۱۱ درجه از سیاه مطلق تا سفید مطلق می‌شود و کروما (Chroma) یا اشتباعت رنگ که به مقدار لوین یک رنگ است و از خاکستری خنثی با شماره صفر تا بالاترین درجه اشباع در هر سطح رنگی ادامه می‌یابد. (شکیبامنش، ۱۳۸۴: ۸ و ۷)

کمپوزیسیون- تنظیم رنگ‌ها در فضا- عمل کمپوزیسیون در رنگ به معنای کنار هم قرار دادن دو یا چند رنگ است به نحوی که حالت و مفهوم معین و مشخصی را بیان می‌کند. انتخاب این رنگ‌ها، موقعیت نسبی آن‌ها، مکان و جهات آنها در کمپوزیسیون، طرح کلی آنها، اندازه و وسعت و تناسبات کنتراست آنها، همگی عوامل قاطع و تعیین کننده ای در بیان مفهوم رنگ است (سید صدر، ۱۳۸۰: ۲۴۵).

کنتراست‌های رنگ- منظور از کنتراست رنگ تفاوت‌های آشکاری است که بین دو فضای رنگ آمیزی شده می تواند دیده شود. وقتی که چنین تفاوت‌هایی به بالاترین درجه خود می‌رسد، کنتراست‌ها قطری یا قطبی هستند. سیاه- سفید، سرد - گرم در منتهای درجه کنتراست‌های قطبی جای می‌گیرند. با بررسی مشخصات اثر رنگ هفت نوع کنتراست رنگی مشخص شده است، که هر کدام به لحاظ خصوصیت و ارزش هنری، اثر بصری، مفهومی و سمبولیک بی همتا هستند. (سیدصدر، ۱۳۸۰: ۲۵۰)

رنگ و نور- بدیهی‌ترین ارتباط رنگ، با زمان و تغییر نور، در ساعات مختلف روز، در فصول مختلف و در آب و هوای متفاوت است. یعنی تغییر شدت نور، زاویه تابش، وجود سایه و آفتاب و مانند آن بر کیفیت رنگ‌ها تاثیر می‌گذارند و به صورت ناخودآگاه به فرد در تشخیص زمان کمک می‌کنند و در واقع شخص با رنگ‌های مختلف جهت یابی زمانی خود را انجام می‌دهد. ناآگاهی طراح شهری در این مسئله سردرگمی و حس ناراحتی را در افراد بوجود می‌آورد. طبیعت در بسیاری موارد بهترین الگو در ترکیب زمان و رنگ‌ها است. (مرادی پور، ۱۳۸۶: ۴۰)

دکوراسیون شهرها خلق‌ه‌ارمونی جدیدی همراه گردد که ممکن است اصلا در تئوری‌های بیان شده وجود نداشته باشد. (maughthin, 1995: 134)

#### - کاربرد رنگ در شهر

در هر شهر بسته به اقلیم، مصالح بومی، فناوری و منابع تامین مصالح و سلیقه و فرهنگ افراد، رنگ شهرها که شامل نمای ساختمان‌ها و اجزای آن، کف سازی و بام بناها، مبلمان شهری و عناصر طبیعی می‌باشد به رنگ‌های خاصی محدود می‌شود که به نوعی شناسنامه رنگی آن شهر به شمار می‌آید؛ چهار مقیاس متفاوت وجود دارد که طرح رنگی شهر می‌توان دیده شود.

- شهر یا محله

- خیابان یا میدان که رنگ می‌تواند شخصیت و یا حال و هوای متفاوتی را در گوشه‌ها و یا در امتداد نماهای مقابل ساختمان‌ها ایجاد کند.

- بناهای منفر (ساختمان‌های خاص)

- جزئیات (پنجره‌ها، تزئینات، مبلمان شهری و ...) علاوه بر این رنگ در خیابان‌ها و نمای ساختمان‌ها می‌تواند از چهار طریق دیده شود که شامل:

- کنار یا پهلو

- از مقابل

- از بالا

- زیر و همچنین در هر شرایط رنگ‌های یکسان، در سایه و تن‌های متفاوتی به دیده آیند ( Maughtin, 1995: 142).

ژن فیلیپ لانکو یکی از افرادی است که برای حل مشکلات رنگی محیط تحقیقات گسترده‌ای انجام داد.

معنای نمادین رنگ‌ها- رنگ‌ها و رنگ آمیزی محیط ساخته شده در مقیاس‌های گوناگون معنای مختلفی دارند. این معانی اغلب تابعی از عرف رایج جوامع هستند. در چین باستان رنگ زرد، رنگ پادشاهان بوده و نشان قدرت، پاکزاد ۴۹۶ قرمز و سیاه نیز همواره به عنوان رنگ‌های نمادین حیات و مرگ به شمار می‌آمدند و نخستین بار انسان‌های غارنشین از این دو رنگ به تزئین گورمردگان خود استفاده کردند. (شکیبامنش، ۱۳۸۴: ۲) آبی فیروزه ای نیز رنگ ملی ایرانیان بوده است ایرانیان باستان معتقد بودند که سنگ آبی فیروزه ای قدرت حفاظت کننده قوی ایجاد می‌کند و برای دفع شیطان به کار می‌رود و واژه فارسی معادل آن به معنای سرور و شادی است (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۴۹۶).

#### - تبیین تئوری رنگ در شهر

طراحا شهری رنگ را در محیط متفاوت از نقاشان بکار می‌برند، در حالی که اصول‌ه‌ارمونی رنگ یکی است ولی آنها در زمینه ای کار می‌کنند که کیفیت نور از شهریه شهر، فصل به فصل و صبح تا شب در حال تغییر است. نقاش تلاش می‌کند در استودیوی خود رنگ‌ها را ترکیب کند و نتیجه کارش در گالری با نورپردازی مشخصی به نمایش در می‌آید، بنابراین، می‌تواند نظم تئوری را به راحتی دنبال کند. این در حالی است که طراح شهری با فاکتورهای دیگری در توسعه شهر سر و کار دارد که هر کدام قصد خود را دنبال می‌کنند. طراح شهری بر بومی کار می‌کند که سه بعدی است یا مقیاسی وسیع و با روند ثابت رشد و تباهی. بنابراین، تئوری رنگ برای شهر باید در این زمینه‌ای بزرگ‌تر دیده شده و در نتیجه برای

هر نقشه رنگی شامل دو سیستم از پرده‌های رنگی است که دو پالت رنگی اصلی محصول نهایی این کار است.

اول: سیستم رنگ‌های هارمونیک برای لکه‌های بزرگ و سطوح معماری بزرگ  
دوم: سیستم گسترده‌تر که طیف وسیع‌تری از نمونه‌های طبیعی و معماری را در بر می‌گیرد. مانند گل‌ها یا عناصر متحرک که به عنوان عناصر ثانوی در محیط شهری و بناها مورد استفاده قرار می‌گیرد (حسینیون، ۱۳۸۰: ۱۸، ۱۷).

مرحله اول: برداشت رنگی وضع موجود

روشی که او برای بررسی خصوصیات رنگی محیط پیشنهاد می‌کند به شرح ذیل است:

- تجزیه و تحلیل رنگ‌های اصلی ناحیه یا محل (طبیعت گیاهان، خاک و نظایر)

- تعیین رابطه کمی و کیفی رنگ در عناصر مختلف شهری و معماری

- مرحله آخر ارائه جدول طیف رنگی است که وفادارانه کیفیت‌های دقیق رنگی هر محل را معرفی می‌کند. که با استفاده از آنها در عناصر سازنده فضای شهری می‌توان به ترکیبات مختلف دست یافت.

جدول ۱- نمایش برداشت پالت رنگ وضع موجود

عناصر طبیعی	زمین ریخت موجود	درختان و درختچه‌ها	پوشش گیاهی کف (چمن)	آسمان
	ترکیب طیف‌های طوسی، قهوه‌ای و سبز تیره و کدر	با توجه به شرایط جوی (فصل سرد) طیف‌های قهوه‌ای و طوسی	سبز روشن و زرد روشن و مات	سفید ارغوانی بسیار روشن و باز
عناصر مصنوع	ساختمان‌ها		مبلمان شهری	
	بخش فوقانی - بام و سقف بناها	طیف‌های طوسی و قهوه‌ای تیره	زردها	سبز کدر، طوسی
	بخش میانی - جداره و نما	بخش عمده نماها سفید یک نمونه نما با رنگ صورتی روشن	صندوق	طوسی روشن، سبز کدر
	جزئیات نما	سفید و طیف‌های طوسی	نورپردازی	قهوه ای سوخته و تیره
	بخش تحتانی - ورودی	سفید قهوه‌ای طبیعی و طوسی		

منبع: نگارنده

در پی تعبیر می‌شود حال با تجربه عبور از شهر با چه سطحی از کیفیت‌های طراحی شهری نظیر تنوع، خوانایی و انسجامی روبرو خواهید بود؟ این کیفیت‌ها چگونه تعریف می‌شوند؟

- تنوع

تنوع به گوناگونی و تفاوت‌ها در طراحی یا منظر می‌پردازد. در مقیاس‌های گوناگون روی می‌دهد و ب

- در پی جستجوی مولفه‌های کیفی طراحی شهری در ارتباط با رنگ منظر شهری

با قدم زدن از یکسوی مکان به سوی دیگر آن با گام‌هایی یکسان فضاها را به صورت متوالی نمایان می‌شوند. پیشروی در داخل فضاها به وسیله یک دسته از مقیاس‌های ناگهان آشکار می‌شود (کالن، ۱۳۷۷: ۱۷). این است آنچه که از آن به عنوان دید پی

نشانه، محله) نمونه بارزی است که به ایجاد خوانایی از طریق تقویت تصویر ذهنی فرد از محیط می‌انجامد.

#### - انسجام

شخصی نیاز دارد تا ضمن قدم زدن یا حرکت در سطح شهر، تداوم و پیوستگی را دریافت کند. زمانی که هر بخش بدون ارتباط با بخش دیگر باشد، شخص احساس کم شدگی، سردرگمی و کلافگی می‌کند. قرائن مناظر شهری در یکدسته از فضاهایی که به طور متوالی و در پی یکدیگر و با ارتباطی معنا دار به صورت یک کل پیوسته و وحدت یافته نظام یافته اند، انسجام کالبدی را متبادر می‌نماید. این انسجام برای آنکه از کیفیت مطلوب خود برخوردار باشد. باید توجه داشت که انسجام بدون تنوع موجب یکنواختی کشنده ای خواهد شد. بنابراین رعایت تنوع سنجیده و مطلوب در مناظر شهری باید با به در نظر گرفتن انسجام و وحدت در هر سکانشی بینجامد.

#### - سرزندگی

دو معیار اصلی سرزندگی محیط، تنوع کارکرد و دل‌بازی است. (بهزادفر، ۱۳۸۸). کوین لینچ در کتاب تئوری شکل خوب شهر خود به سرزندگی به عنوان یکی از خصوصیات که در تئوری هنجاری درباره شهرها، به عنوان معیاری خوب بودن شکل شهر عنوان شده است. می‌پردازد. به تعبیر وی سرزندگی یعنی اینکه تا چه اندازه شکل شهر حامی عملکردهای حیاتی، نیازهای بیولوژیکی و توانایی‌های انسانی بوده و از همه مهم تر چگونه بقا و دوام همه موجودات را ممکن می‌سازد این یک معیار انسان محور است.

رای آن که منظری برای مدتی طولانی گیرایی خاص خود را داشته باشد عنصری ضروری محسوب می‌شود. به عبارتی می‌توان چنین بیان نمود که برای ایجاد انگیزه و غنا در کیفیت زندگی، تنوع بصری نیازی اساسی و بنیادین است. (بل، ۱۳۸۵، ۱۰۰) ایجاد تنوع و خلق نشاط در فضاهای مناسب با کمک رنگ به راحتی ممکن است. بارزترین نمونه آن خیابان‌های تجاری و فضاهای بازی کودکان است که تنوع رنگی آنها به منظور ایجاد فضاهای سرزنده و جذاب مورد نظر است.

(حسینیون، ۱۳۸۲: ۳۲) البته باید اشاره نمود که ایجاد تنوع از طریق رنگ باید با لحاظ نمودن اصول وحدت بوده و به آشفتگی بصری منجر نگردد.

#### - خوانایی

خوانایی طبق تعریف محیط‌های پاسخده کیفیتی است که موجبات قابل درک شدن یک مکان را فراهم می‌آورد. حفظ و تقویت خوانایی و هویت در شهر در تک تک فضاهای آن همواره از مهمترین اهدافی است که مستقل از نوع فضا یا محل شهر، می‌بایست در نظر گرفته شود. خوانایی در مناظر شهری (انسان ساخت) با تعریف مشخص نقش هر فضا در ساختار شهر و ارتباط مطلوب آن با زمینه (منظر طبیعی) ممکن می‌شود. که در این میان رنگ یکی از مهمترین عناصری است که می‌تواند به سادگی و با هزینه ای کمتر از ساخت و ساز برای تعریف فضاها، در ایجاد خوانایی و حس مکان به عنوان ابزار طراحان شهری مورد استفاده قرار گیرد به طور مثال استفاده از رنگ برای عناصری لینچی در شهر (راه، لبه، گره،



## جدول ۲- راهکارهای طراحانه رنگ

راهکارهای طراحانه رنگ-حوزه مسکونی (محل مسکونی)			
تغییرات	بنیادها و ساختمانها	فضای سبز	تغییرات
بخش فوقانی - بام و سقف بناها	استفاده از تنوع رنگی مصالح - استفاده مناسب از پوشش گیاهی در بام	فضای سبز نیمه عمومی	استفاده بیشتر از درختان خزان ناپذیر و تنوع رنگی آنها
بخش میانی - جداره و نما	تنوع مناسب مصالح - کنترل استفاده از رنگهای تند - حذف اغتشاشات رنگی و آلودگی بصری تاسیساتی	فضای سبز عمومی	استفاده از گیاهان اعم از درخت، درختچه و گلها و تنوع رنگی آنها
جزئیات نما	رعایت ریتم رنگی بازشوها و یا قالب بندیهای آنها - استفاده از عناصر گیاهی نظری گلدان، برگها و گیاهان رونده در نما (با توجه به زمینه)		
بخش تحتانی - ورودی	تعریف رنگهای متفاوت ورودی برای کاربریها - استفاده از رنگهای جذاب تابلوهای عنوانین و معرفی کاربری		
بخش فوقانی - بام و سقف بناها	همخوانی فرم بام و رنگ - هماهنگی رنگ بام و زمینه موجود (سستی یا مدرن)	فضای سبز عمومی	استفاده از گیاهان بومی منطقه
بخش میانی - جداره و نما	استفاده از رنگهای مناسب و همخوان - هماهنگی عملکرد و رنگ - هماهنگی در سبک و رنگ - استفاده از مصالح بومی منطقه با رنگهای طبیعی - استفاده از رنگهای تند در سطوح محدودتر و رنگ هیا ملایم در سطوح وسیع		
جزئیات نما	رعایت ترکیب مناسب رنگها و بافتهای نما	فضای سبز	استفاده از گیاهان بومی منطقه - معرفی آنها به عنوان نشانه
بخش تحتانی - ورودی	استفاده از رنگی متمایز در ورودیهای مسکونی و شاخص شدن آن		
بخش میانی - جداره و نما	رعایت اصول سادگی رنگی در حجم و فرمهای الحاقی و تزئینات - استفاده از رنگهای یکسان در فعالیت‌های مشابه - استفاده از مصالح سستی با ترکیبات رنگی مناسب آنها در مسکونی‌های هر محدوده	فضای سبز نیمه عمومی	استفاده از پوشش گیاهی (کوتاه) هماهنگی آنها
جزئیات نما	استفاده از طیف‌های رنگی با دامنه تعریف شده جهت جزئیات مسکونی‌های هر محدوده	فضای سبز عمومی	بکارگیری ریتم مناسب رنگی (با توجه ب ارتفاع درختان و درختچه‌ها و نوع و اندازه آنها)
بخش تحتانی - ورودی	رعایت هماهنگی و تناسب فرم و مقیاس ورودیها با رنگ - استفاده رنگها زمینه ای و سنگین تر در نظر گرفته شده نما در این بخش		

منبع: نگارنده

رنگ‌های بکار رفته در عناصر طبیعی شامل سفید، زرد روشن مات، سبز روشن تا تیره و کدر، طیف‌های قهوه‌ای - طیف‌های طوسی و ارغوانی بسیار روشن است و در عناصر مصنوع این رنگ بندی شامل رنگ‌های سفید - سبز کدر - طیف‌های قهوه‌ای تیره تا بالاترین درجه آن قهوه‌ای سوخته - طیف‌های طوسی تیره و صورتی روشن است.

در بررسی این رنگ‌ها یعنی رنگ‌هایی که در منظر طبیعی موجود است با رنگ‌هایی که در ساختمان‌ها و عناصر انسان ساخت محیط وجود دارد هماهنگی بارزی دیده می‌شود. به طوری که رنگ‌های پایه سفید - قهوه‌ای - سبز و طوی در هر دو مورد تکرار شده است و عناصر اصلی سازنده منظر شامل درختان - توپوگرافی - پوشش گیاهی کف - نمای جداره‌ها - بام‌ها و حتی مبلمان شهری را تشکیل داده است. این رنگ‌ها که ماهیت سردی دارند خاصیت پس رونده داشته و به صورت زمینه‌ای عمل می‌کنند. حال در این میان رنگ ارغوانی بسیار روشن آسمان با رنگ صورتی روشن یکی از بناها متمایز از دیگر رنگ‌ها هستند. رنگ صورتی که از ته مایه رنگ ارغوانی هم در خود دارد بسیار شاخص نسبت به دیگر نماها در منظر قرار گرفته است که این خاصیت با توجه به کاربری این بناها که موزه است نسبت به سایر بناها که مسکونی و شخصی هستند تمایز مطلوب و سنجیده‌ای را ارائه داده است.

مرحله سوم: تاثیر رنگ در سه موله کیفی تنوع، خوانایی و انسجام

انسجام با توجه به بررسی‌های دو بند قبلی - هماهنگی رنگی که در منظر وجود دارد با توجه به فرم‌های ساختمان‌ها و اقلیم این منطقه انسجام فضایی

کیفیت‌های عنوان شده در شهرهای مختلف و در محله و کابری‌های مختلف شهر می‌تواند حال و هوای خاص خود را داشته باشد و در ایفای نقش خود رنگ خاصی را طلب کند. در بخش بعدی این نوشتار سعی شده است با ارائه نمونه به تحلیل این موضوع پرداخته شود.

#### - در پی تحلیل مناظر شهری و ارائه راهکارها

در نگاه به منظر یک شهر، اگر برای لحظه‌ای بتوان فرم شکل و بافت احجام را از نظر دور کرد. شهر به صورت تعدادی احجام و لکه‌های رنگی دیده می‌شود. معمولاً رنگ‌های غالب، ثابت و بزرگ پالت رنگی شهر را تشکیل می‌دهند که شامل رنگ، سقف بناها، نمای بناها و دیوارها، کفسازی مبلمان شهری، پوشش گیاهی و طبیعت شهر است. زمینه کار طراح شهر بر پالت اصلی متمرکز است. بنابراین و بر طبق تعریف فوق، کار تحلیل منظر شهری در این مرحله با کار بر پالت اصلی صورت می‌گیرد به طوری که این برداشت در سه مرحله طبق دسته‌بندی ذیل انجام شده است.

مرحله اول: برداشت رنگی از وضعیت موجود بیان تنوع و طیف رنگی بکار رفته در سکانس

مرحله دوم: تحلیل هماهنگی رنگ‌های بکار رفته با توجه به کاربری بناها، هماهنگی با زمینه و بافت موجود؛

مرحله سوم: مقایسه طیف رنگی به کار رفته در بند ۱ و تاثیر در سه مولفه کیفی تنوع، خوانایی و انسجام

مرحله نهایی: ارائه راهکارها

مرحله دوم: تحلیل هماهنگی رنگ‌های موجود

با توجه به جدول می‌توان مشاهده نمود که:

توجه به فضای مورد نظر (خیابان، میدان- فضای شهری و ..) و همچنین موقعیت و خصوصیات هر شهر و محل می‌تواند اعمال شود.

#### ۴- نتیجه گیری

مطالعه حاضر بیان می‌دارد که منظر شهری به مثابه یک کل و خصوصا به مثابه یک ساختار، الزامات خاصی را برای مطالعه و مداخله در جهت بهسازی مناظر شهری ایجاد می‌نماید. زیرا که منظر شهری چیزی بیش از یک رویکرد دو بعدی به نمای شهری است و علاوه بر توجه به رویه و سطح توجه همه جانبه تری را چه فضایی و معنایی طلب می‌کند. دستاورد حرکت در شهر نشان می‌دهد که دیگرام شهر به دو قسمت تقسیم شده است، آنهایی که مربوط به دید پی در پی، اینجا و آنجا می‌شوند و یا این و آن. بنابراین بخش مهم کار این است که قسمت‌ها، یعنی عناصر کالبدی و محتوایی منظر را به عنوان یک کل به هم پیوند دهیم. برای این منظور از نوشتار به تعریفی از اجزای بصری منظر که شامل عناصر پایه شامل نقطه- خط- سطح و حجم است پرداخت و متغیرهایی نظیر نور- رنگ- زمان- حرکت - موقعیت- فاصله و بافت را در ارتباط با عناصر اصلی بررسی کرد. به این معنا که به وجود آمدن الگوهای بصری هر منظر شهری این متغیرها و عناصر پایه هستند که با سازماندهی مناسب فضایی و با توجه به اهداف نهایی که تنوع، وحدت و روح مکان می‌باشد به یک ترکیب بصری می‌انجامند. این خصوصیت سیالیت و پویایی رنگ، در دسترس بودن ارزان بودن رنگ می‌تواند این امکان را برای طراح شهری فراهم کند تا با وسعت دید بهتری نسبت به دیگر متغیرها به کاربرد آن در شهر اقدام کند. و نهایتا

بسیار بارزی را به نمایش می‌گذارد. به طوری که در هر سکنس به راحتی می‌توان وحدت موجود در کلیت بافت را قرائت نمود.

تنوع علی‌رغم استفاده از رنگ‌هایی هماهنگ در جداره‌های ساختمان و میلمان شهری و طبیعت موجود، مطلب بسیار قابل توجه این است که رنگ‌های اصلی شامل طیف‌های رنگی طوسی- قهوه‌ای و سبز تیره و سفید می‌باشند که با ظرافت و بازی‌های معمارانه در جزئیات نما شامل قاب بنید درب و پنجره‌ها و مصالح بنا در گوشه‌های ساختمان و یا با تغییر الگو و بافت مصالح در نما اعمال شده است و از این طریق تنوع بصری را ایجاد کرده است. همچنین با استفاده از رنگ صورتی روشن در نمای یکی از ساختمان‌ها و یا رنگ متمایز در تجاری‌های موجود این تنوع کاملتر به نمایش گذاشته شده است. بنابراین، می‌توان چنین استنباط نمود که تنوع دو مقیاس یکی بسیار ظریف و ماهرانه و دیگری بسیار بارز و در تکمیل اولی گام برداشته است.

خوانایی استفاده از رنگ‌های برآمده از طبیعت در اقلیم کوهستانی این منطقه، هر تازه وارد و گردشگری را با فضا مانوس می‌کند و موجب میشود که فضا بسیار خوانا و در عین حال جاذب به تجربه درآید. همچنین قابل ذکر است که تنوع رنگی ایجاد شده در رنگ متمایز ساختمان موزه و رنگ قهوه‌ای با مصالح طبیعی کلیسا در کنار آن خوانایی عملکردهای ساختمان‌ها را در مقایسه با بخش‌های مسکونی به بهترین نحوی به نمایش می‌گذارد.

#### - ارائه راهکارها

در این بخش ارائه راهکارهای طراحانه در غالب سه مولفه و به صورت کلی و عام مطرح می‌شود که با

حسینی، سیدباقر، رزاقی اصل، سینا، (۱۳۸۸)، حرکت  
 و زمان در منظر شهری، انگاره‌های و مفاهیم  
 طراحی، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی  
 دانشگاه علم و صنعت ایران، جلد ۱۹ شماره ۶  
 حسینون، سولماز، (۱۳۸۲)، رنگ در شهر از دیدگاه  
 طراحی شهری، نشریه شهرداری‌ها (۱۴-۱۹)  
 سال چهارم، شماره ۳۹  
 سیدصدر، سیدابوالقاسم؛ (۱۳۸۴)، معماری، رنگ و  
 انسان، تهران: انتشارات اندیشه  
 طیبیان، منوچهر؛ (۱۳۸۵)، مولفه‌های محیط و منظر،  
 محیط‌شناسی - ویژه نامه طراحی محیط  
 (۳۷/۴۲)  
 فرزنان ناصر، (۱۳۷۵)، رنگ و طبیعت، تهران،  
 انتشارات تهران.  
 کالن، گوردن، (۱۳۸۲)، گزیده منظر شهری، منوچهر  
 طیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.  
 کلگار، کورش، (۱۳۸۷)، محیط بصری شهر، سیر  
 تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار، علوم  
 محیطی (۹۵-۱۱۴) سال پنجم، شماره چهارم،  
 تابستان.

مرادی پور، اکبر، (۱۳۸۶)، ارگونومی ادراکی رنگ در  
 منظر شهری، پایان نامه تحصیلی کارشناسی  
 ارشد، طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای  
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

Landcaster, Michael. (1996);  
 COLOURSCAPE, Academy Group  
 LTD, London.

Mahnk, Frank H. (1996); URBAN DESIGN:  
 Ornaments and Decoration, by  
 VanNostrand Reinhold, United State of  
 America.

Maughtin, C. (1995); URNAN DESIGN:  
 Ornaments and Decoration,  
 ArchitecturalPress.

تصویری یکپارچه، متنوع و خوانا را به مثابه یک اثر  
 هنری، برای ناظر شهر که مردم می‌باشند، فراهم  
 آورد.

روند حرکت از بررسی و مواجهه کلی برداشت رنگی  
 عناصر مصنوع و طبیعی موجود در منظر شهری آغاز  
 می‌شود و تا جزئیات با توجه به دامنه و وسعت کار  
 ادامه می‌یابد. به این منظور با برداشت پالت رنگی هر  
 بخش از فضای شهری و تجزیه و تحلیل رنگ‌های  
 بکار رفته در آن نسبت به زمینه موجود، اقلیم و  
 جغرافیای محل، مصالح بوم‌آورد منطقه، معماری  
 شهر، سنت‌های پیشین و رایج، نمادها و ارزش‌های  
 شکل گرفته در فرهنگ می‌توان به راه‌حلی‌هایی  
 در این زمینه دست یافت. به طوری که به منظور  
 اصلاح وضعیت موجود راهکارهای طراحانه و طرح  
 رنگی فضای شهری مورد نظر ارائه شود. بررسی نمونه  
 ارائه شده در بخش نهایی این نوشتار می‌تواند به  
 عنوان یک تجربه مثبت از فضای شهری برای  
 نمونه‌های داخلی کشور، البته با وسعت تحلیل و  
 فرایند کاملتری انجام شود.

## منابع

ای‌ین بتلی، (۱۳۸۲)، محیط‌های پاسخده، مصطفی  
 بهزادی فر، تهران، انتشارات دانشگاه علم  
 و صنعت ایران، قدوسی، مهرا، ۱۳۸۰، کاربرد  
 رنگ‌های طبیعت در منظرسازی شهری، نشریه  
 شهرداری‌ها (۲۳-۲۰) سال اول، شماره ۲۳.  
 بل، سیمون، (۱۳۸۵)، عناصر طراحی بصری معماری  
 منظر، محمد احمدی نژاد، اصفهان: نشر خاک.